

مقاله پژوهشی:

رژیم حقوقی دریای خزر و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سید جلال ساداتیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

چکیده

به موجب قرارداد مودت ۱۹۲۱ میلادی و عهدنامه ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و شوروی، استفاده از دریای خزر و کشتیرانی و بهره‌برداری از منابع آن مشترک بوده است؛ اما قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان جدید، هر یک موضعی را اتخاذ نمودند که توافق بر یک رویه مشترک برای بهره‌برداری منصفانه از منابع خزر را، امکان‌پذیر نمی‌ساخت.

هدف این پژوهش، شناخت رابطه بین رژیم حقوقی دریای خزر و امنیت ملی ایران می‌باشد. مسئله قراردادهای دوجانبه برخی از کشورهای ساحلی با یکدیگر و بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر و به تبع آن قراردادها و حضور بیگانگان، شرایط را به زیان منافع ملی و امنیت ملی ایران به پیش برده است.

این تحقیق کاربردی، با روش تحلیل محتوا، تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی را بررسی نموده است.

نتیجه آنکه، در اجلاس پنجم سران کشورهای ساحلی در آکتائو قزاقستان و امضای کنوانسیون، به نظر می‌رسد توافق بر خط مبدأ، راه‌حل جدیدی باشد تا در آینده قدر سهم کشورها تعیین گردد، در این کنوانسیون، اصول مهمی همچون: «ممنوعیت حضور نیروهای مسلح بیگانه»، «انحصار هرگونه دریانوردی صرفاً با پرچم پنج کشور ساحلی»، «ممنوعیت در اختیار قرار دادن قلمروی کشورهای ساحلی به بیگانگان برای اقدام و تجاوز علیه کشور دیگر ساحلی» قید شده و پیشنهاد ادامه مذاکرات کارشناسی بر مبنای نصفت است.

کلیدواژه‌ها: قرارداد مودت ۱۹۲۱ میلادی، عهدنامه ۱۹۴۰ میلادی، کنوانسیون، رژیم حقوقی دریای خزر،

خط مبدأ، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

منظور از نظام حقوقی دریای خزر از دیدگاه‌های مختلف، شامل مسائل فنی، جغرافیایی، حقوقی و منابع اقتصادی ناشی از بهره‌برداری از منابع مختلف کف دریا، آب‌های دریا و کشتیرانی و دریانوردی و صیادی و مسائل امنیتی می‌باشد. نگرش‌های گوناگونی از نظر وضع حقوقی در دریای خزر از سوی کشورهای اطراف دریای خزر وجود دارد که بسیار متفاوت و حتی ضد یکدیگر است. لذا توافق مشترک بر سر تعیین یک نظام حقوقی با حفظ منافع ملی، (چون هر کشوری برای خود تعریف خاصی دارد) بسیار مشکل و تا حدی غیر ممکن به نظر می‌رسد.

ابتدا باید دانست که دریای مازندران دریای بسته است. دریای بسته، یعنی دریایی که بدون پیوند با دریا‌های دیگر و به وسیله سرزمین دو یا چند کشور محاصره شده است و کشورهای غیر مجاز حق دخالت و شرکت در تعیین مسائل مربوط به این دریا را ندارند (بوداغ اف، ۱۳۷۴: ۲۰). بر اساس ماده ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ م حقوق دریاها در صورت نبود قانون جامع بین‌المللی توافقات کشورهای اطراف دریای بسته به‌عنوان قانون محسوب می‌شود (آقائی، ۱۳۷۴). همچنین ماده ۷۴ همین کنوانسیون در مورد فلات قاره، توافق کشورهای ساحلی را دارای اهمیت می‌داند (ممتاز، ۱۳۷۴: ۱۲۰).

طی بیست‌وشش سال گذشته با وجود کوشش‌هایی که از طرف جمهوری اسلامی ایران و دولت روسیه به عمل آمده، به علت مخالفت‌های شدید برخی کشورهای ساحلی از جمله جمهوری آذربایجان (اکتشاف و تولید، شماره ۱۱۷)، توافق جامعی جز امضای کنوانسیون که اخیراً اتفاق افتاد، نتیجه دیگری حاصل نشده است. به هنگام فروپاشی شوروی، دریای خزر و جمهوری‌های حاشیه آن زیر سلطه کامل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قرار داشتند. از لحاظ نظری در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی ایران و شوروی حق بهره‌برداری مشترک از دریای خزر و منابع آن را دارند (قبادزاده، ۱۳۸۳: ۸۳)؛ اما شوروی یک خط فرضی را از این سوی دریا تا آن سوی دریا، یعنی آخرین نقطه مرز ایران در شمال خاوری در خلیج حسینقلی (مصب رود اترک) و انتهای مرز شمال باختری ایران در آستارا کشیده بود و آن

را به عنوان محدوده ایران در دریای خزر نامیده بود. در دوران جنگ سرد، ایران در همین محدوده نیز مجاز به نگهداری ناوگان دریایی و استفاده از آن و فعالیت‌های اکتشاف نفت و گاز نبود. پس از فروپاشی شوروی به نظر می‌رسید که دولت‌های تازه استقلال یافته و دو کشور روسیه و ایران به عنوان شریک‌های برابر و سهم‌دار در دریای خزر از مزایای طبیعی و خدادادی آن به طور عادلانه می‌توانند بهره‌برداری کنند.

روابط بین‌المللی یکی از مسائل مهم در جامعه کنونی است و روابط بین ملت‌ها و دولت‌ها سابقه دیرینه دارد. امروزه برقراری روابط میان دولت‌ها، سازمان‌ها و حتی افراد دارای اهمیت و تعیین‌کننده در اداره مطلوب جامعه در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... به شمار می‌رود. موضوع تحولات رژیم حقوقی دریای خزر در دهه گذشته از رویدادهای مهم منطقه است که در تنش روابط کشورهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان و سایر کشورها تأثیر گذاشته است (رعنائی، ۱۳۸۹: ۱۹).

لازم است با فعال کردن دستگاه دیپلماسی کشور و اقدامات گسترده در راستای مذاکرات عمیق و جدی و دور از هرگونه اقدامات خصمانه شرایط ظهور امنیتی پایدار و همه‌جانبه در منطقه فراهم گردد.

تلاش جمهوری اسلامی ایران در این سال‌ها و پیگیری مذاکرات مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر، اولاً، بهره‌گیری از حقوق خود در برخورداری از منابع زیربستر و بستر این دریا با طرح مالکیت مشاع یا رژیم کاندومینیوم بوده است (یزدانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

و ثانیاً، جلوگیری از حضور بیگانگان و کشورهای فرامنطقه‌ای برای تأمین امنیت ملی در این دریای بسته می‌باشد که با روابط دوجانبه با برخی کشورهای ساحلی ممکن است امنیت ایران را مورد مخاطره قرار دهند.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و اضافه شدن به کشورهای ساحلی دریای خزر، با وجود نشست‌های کارشناسی و در سطح وزرا و همچنین چند نشست رؤسای جمهور کشورهای عضو، هنوز موفق نشده‌اند به یک نظام حقوقی مورد قبول هر پنج کشور دست یابند. در این مقاله به بررسی روند تاریخی و نیز دستاورد آخرین

نشست سران که در ماه اوت ۲۰۱۸ میلادی (شهریور ۱۳۹۷ هجری شمسی) در قزاقستان برگزار شد، می‌پردازیم:

بیان مسئله

با توجه به قراردادهای جداگانه‌ای که برخی از کشورهای ساحلی دریای خزر، در غیاب یک توافق جامع، موسوم به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، دوجانبه با یکدیگر و همچنین با کشورهای فرامنطقه‌ای، برای بهره‌برداری از منابع زیربستر این دریا، به خصوص نفت و گاز، منعقد ساخته‌اند، منافع ملی و به تبع آن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به خطر انداخته است، عدم تعیین قدر السهم عادلانه ایران از این دریای بسته از سویی و جلوگیری از حضور دیگر کشورهای معارض با جمهوری اسلامی ایران، همانند ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در همسایگی ایران، برای تأمین منافع و به تبع آن امنیت ملی کشور مواردی است که چالش‌های جدی را در منطقه به وجود آورده است و محقق با پژوهشی عمیق تلاش دارد تا روش رفع آن را ارائه نماید.

هدف

مطالعه روند تاریخی سیر تحولات گذشته، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری دولت‌های جدید در اطراف دریای خزر، در عرصه بین‌المللی بسیار مهم بوده و هدف از این مقاله:

- ۱- مطالعه توافق کنوانسیون بین رؤسای کشورهای پنج کشور ساحلی و تحلیل تأثیر توافقات بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- تحلیل شکل‌نهایی رژیم حقوقی
- ۳- شناخت، آگاهی و ارزیابی تغییرات در مواضع اتخاذشده و استدلال‌های کشورهای عضو و ارائه راه‌حلی برای برون‌رفت از چالش‌ها در منطقه می‌باشد.

سؤالات

- ۱- آیا امضا و توافق در کنوانسیون، امضاشده توسط رؤسای جمهور پنج کشور ساحلی دریای خزر، تأمین‌کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باشد؟
- ۲- آیا رژیم حقوقی دریای خزر شکل نهایی خود را یافته است؟
- ۳- مواضع هر یک از کشورهای ساحلی دریای خزر برای تعیین رژیم حقوقی این دریای بسته چه بوده؟ و طی سال‌هایی که در مذاکره بوده‌اند چه تغییراتی در آن حادث شده و چگونه می‌توان چالش‌های آن را مرتفع نمود؟

فرضیه

- ۱- جمهوری اسلامی ایران از موقعیت چندان مطلوبی در ارتباط با رژیم‌های حقوقی دریاها برخوردار نیست.
- ۲- با انجام مذاکرات، امید می‌رود توافقات آتی، بر اساس اصل نصف، حق السهم و منافع بیشتری را برای ایران اسلامی به رسمیت بشناسد و رژیم حقوقی دریای خزر شکل نهایی خود را به دست آورد.
- ۳- تغییرات در مواضع کشورهای ساحلی بر اساس قراردادهای جداگانه با بیگانگان با استدلال‌های حقوقی و منطقی تعدیل و به‌روزرسانی خواهد شد و راه برون‌رفت از چالش‌ها، اصلاح آن‌ها و استقلال رفتاری کشورهای ساحلی در دریای خزر است.

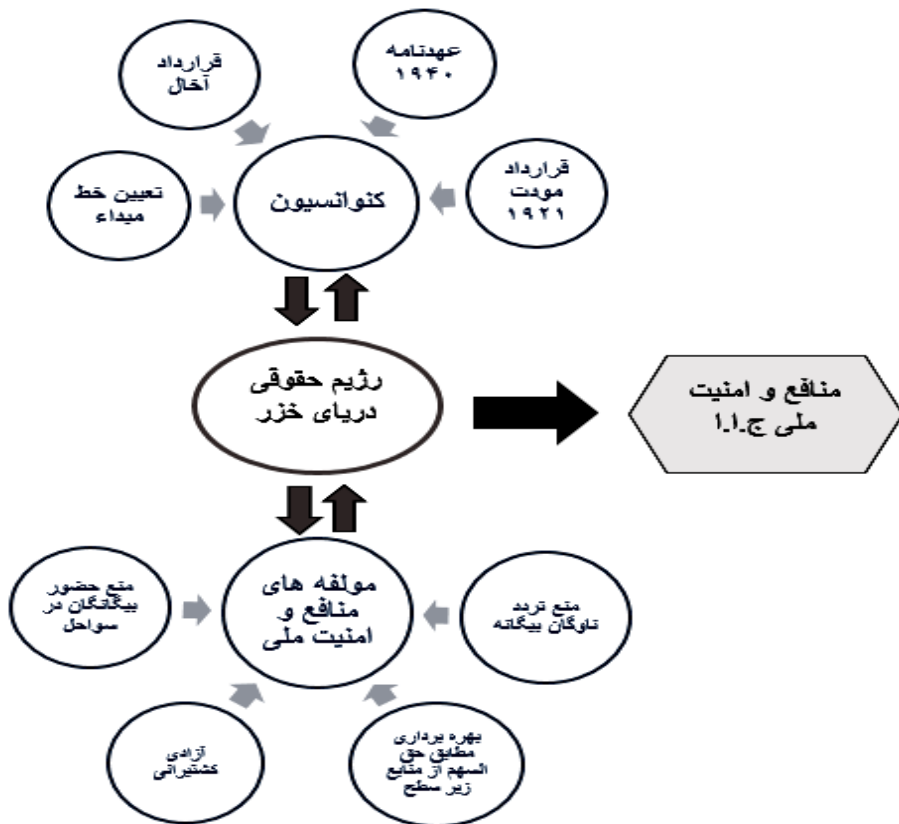
اهمیت و ضرورت

مطالعه فرآیند رژیم حقوقی دریای خزر برای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و تضمین امنیت ملی آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. جلوگیری از حضور کشورهای فرامنطقه‌ای به‌خصوص ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در همسایگی ایران، به بهانه اجرای قراردادهای منعقد شده با کشورهای ساحلی و فعالیت‌های نفت و گاز و بعضاً

جابه‌جایی نیرو و تجهیزات نظامی در این دریا، با استفاده از رویکردهای ارائه‌شده در این پژوهش و لحاظ آن در رژیم حقوقی دریای خزر، می‌تواند متضمن تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد و بر همین اساس ضرورت دارد تا دلایل حضور و تردد بیگانگان و مسائل و مشکلات عدم دستیابی به رژیم حقوقی مورد توافق تحت بررسی قرار گیرد. عدم توجه به نکات و مدل می‌تواند آینده امنیت منطقه را به خطر اندازد.

مدل مفهومی

مدل مفهومی بیانگر رابطه مؤلفه‌های تأثیرگذار رژیم حقوقی دریای خزر، عهدنامه‌های مستقل هر کشور و اثرات آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است:



تصویر ۱ مدل مفهومی پژوهش

قرارداد مودت ۱۹۲۱ میلادی و عهدنامه ۱۹۴۰ میلادی و قرار داد آخال که هر یک در گذشته بخشی از منافع ملی و به تبع آن امنیت ملی ایران را تأمین نمودند و نیز در شرایط کنونی تعیین خط مبدأ که قرار است در آینده نزدیک، نهایی شود، مجموعه عواملی است که کنوانسیون مورد توافق کشورهای ساحلی دریای خزر و به خصوص رابطه اصلی با روسیه را تعریف می‌کند.

مؤلفه دیگر که از اهمیت و حساسیت بالایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران برخوردار است، منع حضور بیگانگان و منع تردد ناوگان‌های نظامی آنان به‌عنوان حراست از منافع ملی خود که در اثر قراردادهای دوجانبه با برخی از کشورهای ساحلی به دست آمده، می‌باشد. به تبع این امر، هم حوزه کشتیرانی و تردد ناوگان نظامی و غیر نظامی ایران و هم بالمآل تعیین حق السهم ایران از منابع بستر و زیربستر، عوامل مهمی در حوزه دریای خزر است. مجموعه تأثیرات مؤلفه‌های دخیل در کنوانسیون و منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است که در توافقات آینده سران، رژیم حقوقی دریای خزر را تعیین می‌نماید.

توافقات سران کشورهای همسایه در دریای خزر، حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی - امنیتی، قضایی و زیست‌محیطی را تحت‌الشعاع قرار داده و خواهد داد و بر اساس نظریه‌های امنیتی، مؤلفه‌های امنیت ملی و منافع ملی همه کشورهای همسایه خزر از جمله جمهوری اسلامی ایران را متأثر خواهد ساخت. به‌منظور تأمین منافع و امنیت ملی لازم است تا کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر به نحو مناسب طراحی شود و به تأیید سران کشورهای مذکور برسد.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از منظر هدف، تحقیقی کاربردی می‌باشد لذا نتایج حاصل از این تحقیق را مورد استفاده عملی قرار داده و با کمک نتایج آن، چالش‌های رژیم حقوقی دریای خزر و اثرات آن بر امنیت ملی را مرتفع نمود. تحقیق از منظر روش‌شناسی، کیفی و همراه با

تحلیل محتوا می‌باشد. علاوه بر آن تحقیق پیمایشی نیز محسوب می‌شود و با توجه به حضور محقق در وزارت امور خارجه و مشارکت در بخشی از مذاکرات و تبادل نظرات کارشناسی‌ای که با کشورهای ساحلی این دریا طی سال‌های گذشته داشته، در رساله دکتری نیز موضوع دریای خزر و به تبع آن رژیم حقوقی آن مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است. تحقیق با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای، اسناد و مدارک جامعه آماری مورد توجه قرار می‌گیرد و تحقیق از نوع توصیفی تلقی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

دریاچه خزر ابعادی به طول ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۰ کیلومتر و عرض ۲۰۲ تا ۵۵۴ کیلومتر دارد. وسعت آن نیز از ۳۷۱۰۰۰ تا ۴۶۳۲۴۴ کیلومتر مربع متغیر بوده است. مجموع سواحل خزر حدود ۶۳۷۹ کیلومتر است که ۶۴۰ کیلومتر آن به ایران تعلق دارد. عمق این دریاچه به طور متوسط ۱۸۰ متر است ولی در عمیق‌ترین نقاط به ۹۸۰ متر نیز می‌رسد. سطح آب دریای خزر ۲۸ متر پایین‌تر از سطح آب‌های آزاد است (یاکوشیک، شماره ۲۲).

مواضع اتخاذشده کشورهای حاشیه دریای خزر، راجع به رژیم حقوقی این دریا تاکنون چنین بوده است:

۱- جمهوری آذربایجان

دیدگاه‌های مختلف و به‌طور عمده متضاد در سطح کشورهای حاشیه دریای خزر در موضوعات مهمی از قبیل رژیم حقوقی، تحدید حدود و مرزها و قلمروی دریایی، بهره‌برداری بهینه از منابع دریای خزر و تعیین مسیرهای انتقال نفت و گاز منطقه‌ای را به بازارهای جهانی داشته، همسویی منطقه‌ای را به تدریج کم‌رنگ‌تر نموده و عرصه مساعدی برای حضور نیروهای واگرای فرامنطقه‌ای فراهم آورده است (محمدی‌الموتی، ۱۳۹۴: ۱۳).

جمهوری آذربایجان معتقد بوده است که دریای خزر باید به‌عنوان یک دریای آزاد تلقی گردد و به این اعتبار مفاد ماده ۱۲۲ مقاله نامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها

مورخ ۱۹۸۲ میلادی حاکم بر وضع دریای خزر خواهد بود (ممتاز، ۱۳۷۴: ۸۵). این ماده دریای نیمه‌بسته را به‌عنوان خلیج، حوزه یا دریایی تعریف می‌کند که به‌وسیله دو یا چند دولت احاطه شده و از طریق یک باریکه به دریا یا اقیانوس دیگری متصل می‌شود. بر اساس این تعریف، باکو با تعیین ۱۰ تا ۴۰ مایل منطقه اقتصادی انحصاری برای هر یک از دولت‌های ساحلی موافق است. ولی روسیه با این نظر که ماده ۱۲۲ مقاوله‌نامه سال ۱۹۸۲ میلادی تحت هر عنوان در مورد دریای خزر کاربرد یابد، مخالفت می‌ورزد. روسیه در یادداشتی خطاب به سازمان ملل متحد در تاریخ پنجم اکتبر ۱۹۹۴ میلادی، استدلال کرده است که دریای خزر را نمی‌توان حتی یک دریای بسته یا دریای نیمه‌بسته تلقی کرد. جمهوری آذربایجان، نیز استدلال می‌کند، اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۰ م منطقه بالای خط فرضی آستارا حسینقلی را بین جمهوری‌های حاشیه دریای خزر تقسیم کرده بود. اصل ۱۲ قانون اساسی جدید آذربایجان، دریای خزر را متعلق به جمهوری آذربایجان دانسته و حتی قلمروی هوایی آن را نیز از اجزای تشکیل‌دهنده و لاینفک آذربایجان می‌داند. آذربایجان قائل به تقسیم کلی دریاست و معتقد است که دریای خزر باید به مناطق ملی تقسیم شود و در هر منطقه ملی، دولت‌ها بدون هیچ قید و شرطی می‌توانند حاکمیت خود را اعمال نمایند. بدین ترتیب آذربایجان خواهد توانست در مناطق غنی مجاور ساحلش، حقوق حاکمیت انحصاری را اعمال نماید. بر طبق مفهومی که آذربایجان از دریاچه مطرح کرده است، هر کشور ساحلی سهم خودش از دریای خزر را از یک منطقه امتداد ساحلی تا خط مرکزی (خطی که فاصله برابری از هر ساحل دارد) به دست خواهد آورد (فرزین‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۱). از دیدگاه جمهوری آذربایجان، اینکه خطوط در مورد صنایع ذریبط برقرار شده بود، باید در مورد ادعاهای مربوط به آب‌های پیوسته به ساحل دریای خزر نیز مصداق داشته باشد. در مقابل این نظریه، بر اساس حقوق بین‌الملل و بر مبنای موافقت‌نامه‌های معتبر از نظر سازمان ملل (قراردادهای مورخ ۱۹۲۱/۲/۲۶. ۱۹۴۰/۳/۲۵ منعقد مابین اتحاد جماهیر شوروی و دولت ایران) دریای خزر برای استفاده دو کشور شوروی و ایران با حقوق مساوی در نظر گرفته شده و هر دو کشور حق دارند از منابع طبیعی آن مانند انرژی و آبزیان به‌صورت یکسان بهره‌برداری کنند

و بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران استدلال می‌کند که ۵۰٪ قسمت مربوط به اتحاد جماهیر شوروی می‌تواند بین ورثه آن مرحوم! تقسیم شود و نه آنکه از ۵۰٪ سهم ایران گرفته و به آنان داده شود. جمهوری آذربایجان، خواستار تقسیم کامل دریای خزر است. کاهش روابط ایران و جمهوری آذربایجان و افزایش روابط جمهوری آذربایجان با ترکیه و امضای موافقت‌نامه مشارکت راهبردی و کمک‌های دوجانبه در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی باعث شده است تا اثرات نامطلوبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به وجود آید (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۹۵).

۲- جمهوری قزاقستان

این جمهوری به علت دارا بودن وضعیت خاص، موضع تقریباً متمایل به روسیه اتخاذ نموده است. این کشور دارای یک موافقت‌نامه در ۱۷ خرداد ۱۳۷۶ هجری شمسی (۶ ژوئن ۱۹۹۸ م) درباره تحدید حدود مرزهای آبی با روسیه است. در آخرین بیانیه رهبران روسیه و قزاقستان در ۱۸ مهر ۱۳۷۹ هجری شمسی (۹ اکتبر ۲۰۰۰ م)، دو کشور به مبنای توافقات ۱۹۲۱ م و ۱۹۴۰ م تا تعیین رژیم حقوقی جدید که می‌بایست با توافق هر پنج کشور باشد، اعتراف کردند. قزاقستان معتقد است که به لحاظ طولانی بودن مذاکرات حقوقی مناسب است که برای جلوگیری از انقراض نسل ماهیان تاسماهی اقدامات اکولوژیکی سریع‌تر صورت گیرد (باوند، ۱۳۸۷: ۳۰). به گفته وزیر امور خارجه قزاقستان، بایستی مسئله رژیم حقوقی دریای خزر از طریق عقد قرارداد مابین پنج دولت ساحلی حل و فصل شود؛ اما در مورد استفاده از منابع نفت و گاز، منتظر تدوین نظام حقوقی دریای خزر و تصویب آن نمانده و برای توسعه سریع نفت و گاز با عقد قرارداد دوجانبه مابین جمهوری قزاقستان و شرکت‌های نفتی (به‌خصوص آمریکایی همانند شوروی)، این‌گونه فعالیت‌ها را از چند سال قبل شروع کرده و به اجرا درآورده است. پس به‌طور خلاصه آنکه قزاقستان معتقد است چون دریای خزر به دریای سیاه و دریای بالتیک ارتباط دارد. خصوصیت دریاها را دارد و نظام حقوقی ۱۹۸۲ میلادی در مورد آن صدق می‌کند (همان).

۳- جمهوری ترکمنستان

این جمهوری از نظر منابع انرژی با داشتن میدان‌های بزرگ گاز به‌جای منابع نفتی که کشورهای دیگر دارند، وضعیت خاصی دارد. این کشور سعی کرده است از مناقشات دریای خزر کنار بوده و بی‌طرف بماند؛ اما با تمام تلاشی که برای دور نگه‌داشتن خود در مناقشات جاری منطقه کرده و در سال ۱۳۷۶ هجری شمسی (۱۹۹۷ م) قراردادی برای تقسیم دریا بر اساس خط میانه با آذربایجان امضا نمود، عملاً موفق نبوده است، زیرا با اختلافاتی که با جمهوری آذربایجان در مورد مالکیت و حاکمیت حوزه نفتی کی پایاز^۱ (سردار) دارد. این کشور پیشنهاد عرض ۴۵ مایلی را برای استفاده انحصاری کشورها و بقیه آب‌های مشترک، نموده است. پیشنهاد نیازاف تشکیل اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر بوده است. (مولائی، ۱۳۸۲: ۲۴) و همچنین در مورد میدان‌های مشترک گاز مابین محدوده دو کشور، به‌طور اجتناب‌ناپذیری تحت فشارهای عوامل و متغیرهای دیگر قرار گرفته و حتی در اثر مناقشه شدید با آذربایجان، نگرانی بروز جنگ بین دو کشور نیز به وجود آمد. در نهایت ترکمنستان پیشنهاد مشاع محدود داده است. به‌طوری که تا ۲۵ مایل از مرز هر کشور منطقه انحصاری باشد و ماورای آن به‌صورت مشاع و مشترک خواهد بود (همان: ۳۳).

۴- فدراسیون روسیه

روسیه دریای خزر را از نظر جغرافیایی، دریاچه داخلی خاص تعریف و تلقی می‌کند. به این ترتیب بر اساس استدلال این کشور، مقاله‌نامه‌های بین‌المللی دریایی ناظر بر رژیم دریای خزر نخواهد بود. بنابراین دریای خزر بایستی به‌عنوان یک میراث مشترک همه ملت‌های پیرامون دریای خزر اعلام شود و منابع آن نیز به‌طور مساوی و مشترک توسط دولت‌های ساحلی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بر پایه این استدلال رژیم حقوقی دریای خزر همان ماهیتی را دارد که در قرارداد دوستی مسکو - تهران مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱

میلادی و پروتکل همکاری‌های دریایی مورخ ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و روسیه مندرج است. موضع‌گیری فدراسیون روسیه به‌عنوان جانشین شوروی سابق این بود که دولت‌های جدید الاستقلال حاشیه دریای خزر باید تا تعیین رژیم حقوقی جدید، پایبند مفاد عهدنامه‌های ۱۹۲۱ م و ۱۹۴۰ م باشند. روسیه با تقسیم بستر دریای خزر مخالف بود (اشرفی، ۱۳۸۴: ۳۴) و هرگونه اقدام یک‌طرفه در بهره‌برداری از منابع زیربستر دریای خزر را غیر قانونی قلمداد می‌کرد. روسیه در این خصوص طرح پروتکلی را در مورد تشکیل کمیته بستر دریای خزر به‌صورت نیمه‌رسمی به طرف ایرانی ارائه کرده بود که در آن، بستر دریای خزر ثروتی عمومی و متعلق به همه کشورهای ساحلی حاشیه دریای خزر دانسته شده بود و فعالیت در آن، می‌بایست با رعایت مصالح کلیه کشورهای ساحلی و بر اساس مقررات کمیته بستر دریا انجام گیرد. روسیه همچنین پیشنهاد کرده است که نوار ۱۰ مایلی برای حاکمیت انحصاری کشورهای هم‌جوار خزر در سواحل دریا مدنظر قرار گیرد (همان: ۲۴).

البته مواضع روسیه همواره ثابت نبوده و سیاست وی بیشتر بر صبر و مدارا استوار بوده است. مواضع متناقض این کشور نیز همواره مشهود بوده است، مثلاً در حالی که وزیر امور خارجه روسیه از تئوری دریاچه حمایت می‌کند، بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی ملی روسیه از تقسیم دریای خزر حمایت می‌کنند و در عین حال از حمایت بالای روسیه برخوردارند. به‌طور خلاصه باید گفت که روسیه تا زمان تعیین شدن رژیم حقوقی دریای خزر، معاهدات ۱۹۲۱ م و ۱۹۴۰ م را معتبر می‌داند و همچنین معتقد است که در عین حال می‌توان بستر دریای خزر و منابع موجود در آن را میان کشورهای ساحلی تقسیم نمود. رژیم حقوقی سطح آب می‌تواند مشاع باقی بماند. منظور از رژیم حقوقی سطح آب، امور مربوط به ماهیگیری، حمل و نقل، محیط زیست، فضای ماورا و امثال آن است (نوریان، ۱۳۸۲: ۱۰۵).

به این ترتیب روسیه سعی دارد با حل مسائل و مشکلات دریای خزر، مانع از آن شود که یک ابرقدرت بیرونی با وارد شدن در صف نفت‌گران و کارشناسان نفتی، در پشت چهره خاموش آنان وارد صحنه شده و در نفت متعلق به کشورهای ایران و سایر کشورها در صورت فرصت، شریک شود. روسیه و قزاقستان در منطقه شمال، دریای خزر را بر اساس

طول ساحل اکودیستنس^۱ تقسیم کرده‌اند، به طوری که میزان سهم هر کشور از بستر، تعیین شده است، ولی آب‌های فوقانی آن دریا به صورت مشترک باقی مانده است.

۵- جمهوری اسلامی ایران

ایران که سالیان طولانی منافعش در دریای خزر به وسیله شوروی سابق پامال شده بود، پس از فروپاشی این رژیم سعی دارد تا منافع ملی و امنیت ملی خود را در دریای خزر حفظ کند و بر اساس یک رژیم حقوقی مورد قبول و تصویب چهار کشور دیگر، آن را مشخص کند. طبق بیانیه مشترکی که روز یکشنبه ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۸ میلادی توسط وزارت امور خارجه ایران و روسیه صادر شد. اعلام گردید تا آنجایی که به ایران مربوط است، رژیم حقوقی گذشته تا زمانی که یک نظام حقوقی در دریای خزر ایجاد شود، نافذ خواهد بود. ایران معتقد است نظام حقوقی دریای خزر باید به صورت مشاع تدوین شود. بر پایه رژیم مشاعی، هر پنج کشور در ذخایر فلات قاره دریای مازندران سهم هستند و به گونه معمول بخشی از فلات قاره نزدیک سواحل هر یک از کشورها بخش اختصاصی آن‌ها بوده و منابع آن تنها از آن کشور مربوط خواهد بود و آنچه می‌ماند، به هر پنج کشور تعلق خواهد داشت (احمدی‌پور، ۱۳۷۶: ۴۰). اندازه بخش اختصاصی می‌تواند بر پایه تعاریف بین-المللی یا روشی ویژه که مورد توافق پنج کشور باشد، تعیین شود. نکته مهم در این روش، چگونگی تقسیم منابع در بخش مشاع و نیز اندازه بخش اختصاصی است.

طبق رژیم حقوقی بر اساس عهدنامه‌های ۱۹۲۱ میلادی، ۱۹۴۰ میلادی، ایران و شوروی در دریای خزر دارای حقوق برابرند به طوری که هم‌اکنون فعالیت‌های کشتیرانی، ماهیگیری و... بر اساس عهدنامه گذشته صورت می‌پذیرد. فقط آذربایجان استفاده و بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر را به عنوان خط‌مشی یک‌جانبه از سوی کشور خود و در بعضی از موارد، مانند دیگر کشورها ملاک عمل قرار داده است. ایران مسئله فوق را بدین دلیل پیشنهاد نمود که در این حالت ایران همچنان با چهار کشور دیگر منطقه دارای مرز مشترک

می‌باشد و این کشورها به‌عنوان همسایگان ایران همچنان باقی خواهند ماند، تبادلات فرهنگی و اجتماعی و مراودات مردم که بسیاری از آنان دارای روابط فامیلی هستند و نیز رسیدگی به وضعیت اتباع ایران که در آن کشورها دچار معضلات حقوقی و قضائی می‌شوند، از نظر اقتصادی و بازار کالایی ایران بسیار حیاتی است. از سوی دیگر ایران در طی سال‌های گذشته دست به اقدامات عملی و مشترک با دیگر کشورهای حاشیه دریای خزر زده است. از جمله سعی نموده در پروژه‌های اکتشاف و صدور نفت و گاز این کشورها، مشارکت حقیقی داشته باشد. در این میان ایران اعلام نموده است حاضر است نفت دریای خزر متعلق به کشورهای آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان را در شمال ایران در پالایشگاه‌های آذربایجان ایران، گیلان، مازندران، گلستان، خراسان استفاده نموده و به‌جای آن نفت خود را در جنوب در اختیار مشتریان کشورهای فوق قرار دهد.^۱

اخیراً ایران به‌طور غیر رسمی تقسیم دریای خزر را به پنج سهم مساوی مابین دولت‌های ساحلی مطرح نموده است؛ اما کارشناسان معتقدند عملی بودن این نظریه بسیار مشکل است، زیرا با در نظر گرفتن شکل جغرافیایی دریای خزر و متفاوت بودن طول خطوط ساحلی پنج کشور مجاور دریا، معلوم نیست چگونه می‌توان دریا را به پنج قسمت مساوی تقسیم کرد. بنابراین ایران در آخرین نظر خود که بعد از اختلاف و مناقشه آذربایجان و ایران صورت گرفته است تأکید نمود موضع جدید ایران حقوق مساوی در همه عرصه‌های دریای خزر است و بر اساس قانون «نصفت» دریای خزر باید به‌طور مساوی بین پنج کشور تقسیم شود. جمهوری اسلامی ایران بر موضوع تصمیم‌گیری و حل و فصل مسائل دریای خزر بر اساس «اتفاق آراء» تأکید دارد و معتقد است که رعایت این اصل الزامی است و تنها در این صورت است که کشورهای ساحلی به یک توافق پایدار نائل خواهند شد.

همچنین ایران اعتقاد دارد که دریای خزر صرفاً متعلق به کشورهای ساحلی آن است و به‌هیچ‌عنوان نباید کشتی‌ها و شناورهای کشورهای ثالث در آن تردد نماید و اصولاً

کشتیرانی در این پهنه آبی صرفاً با پرچم یکی از دول ساحلی امکان‌پذیر است و هرگونه دخالت کشورهای بیگانه نه‌تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه بر مشکلات و پیچیدگی‌ها خواهد افزود. از آنجا که دریای خزر یک دریای بسته منحصربه‌فرد محسوب می‌شود و تأمین منافع یک کشور ساحلی در گرو همکاری با دیگر کشورهای ساحلی است، به‌ویژه در مسائلی همچون حفظ محیط زیست دریا که بدون همکاری کشورها با یکدیگر میسر نیست، همکاری در خصوص منافع مشترک و پرهیز از اقدامات یک‌جانبه و یا چندجانبه که در مغایرت با منافع دیگر کشورها باشد در دریای خزر اهمیت زیادی دارد (میرفخرائی، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۸۰).

موضوع اصلی مذاکرات پنج‌جانبه مربوط به رژیم حقوقی و همچنین رایزنی‌های ایران با تک‌تک کشورهای ساحلی تقسیم بستر و زیربستر دریا است. بر این اساس ایران با تأکید بر لزوم توجه به «اصل انصاف» اعتقاد دارد که باید از شیوه‌های خاصی برای تقسیم استفاده کرد که به نتایج «منصفانه» منتج شوند. از سوی دیگر باید در نظر داشت که هرگونه تقسیم بستر و زیربستر بدون توجه به ویژگی‌های خاص و تأثیرگذار جغرافیایی خزر؛ نظیر شکل ساحل (تحدب یا تفرع سواحل)، طول سواحل تأثیرگذار و عوامل دیگر، مانند پراکندگی منابع انرژی قابل دفاع نخواهد بود. لذا برای نیل به یک تقسیم منصفانه (با تعاریف و شاخص‌های رایج در حقوق بین‌الملل) این ویژگی‌ها باید مدنظر قرار گیرند (همان: ۱۸۸).

به هر طریق ایران سهمی معادل ۲۰ درصد دریای خزر را حق طبیعی و عادلانه خود می‌داند، لذا سهم خود را در دریای خزر، شامل مثلث، شکلی می‌داند که پایه آن مثلث سواحل جنوبی دریای خزر مابین دو منطقه حسینقلی و آستارا و دو ضلع دیگر مثلث از تقاطع شرقی و غربی از طرف بالا به سمت خط میانه کشیده و مثلث رسم شود. سطح این مثلث معادل ۲۰ درصد کل مساحت دریای خزر است که ایران آن را حق خود می‌داند، تعدادی میدان‌ها نفتی در منطقه ایران قرار دارد که به‌طور طبیعی متعلق به ایران است. بزرگ‌ترین میدان نفتی در این منطقه که به نام «البرز» معروف است بدون دلیل و منطق، مورد ادعای آذربایجان می‌باشد و بر اساس آمارهای منتشره حدود ۲۰ میلیارد بشکه نفت خام در جا در عمق ۲۵۰ و ۶۵۰ متری

کف دریا ذخیره دارد که جزو میدان‌های ایران محسوب می‌شود؛ اما دولت آذربایجان بدون هیچ‌گونه توافق و اطلاع دولت ایران در این میدان به اضافه دو میدان دیگر با شرکت بی. پی و شرکا اقدام به تشکیل شرکتی نموده که سهم دولت آذربایجان ۴۰ درصد و دو شرکت اروپایی هر کدام ۱۵ درصد و ۳۰ درصد است و بقیه را سهام شرکت آگزان موبیل به میزان ۵ درصد و تاتیو به میزان ۱۰ درصد تشکیل داده است. کنسرسیوم بادشده در منطقه متعلق به ایران فعالیت خود را آغاز نموده است (نفت، گاز، پتروشیمی: ۷-۹).

در پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر منعقد شده در تاریخ ۲۱ مردادماه ۱۳۹۷ هجری شمسی در شهر آکتائو قزاقستان، آقای روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران گفت: «پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همکاری کشورهای ساحلی با امضای «کنوانسیون محیط زیست تهران» آغاز شد که به اعلامیه ۲۵ ماده‌ای، به‌عنوان اولین سند سیاسی منعقد شده میان پنج کشور انجامید». در نشست تاریخی امروز نیز ما شاهد امضای «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر» خواهیم بود که به «حاکمیت»، «حقوق حاکمه»، «صلاحیت» و به «حق انحصاری تصمیم‌گیری در این دریا، به کشورهای ساحلی آن» تأکید می‌نماید. این کنوانسیون، به لحاظ حقوقی یک سند مادر است که ناظر بر کلیات حقوق و تکالیف کشورهای ساحلی در دریای خزر است. در این کنوانسیون، اصول مهمی همچون: «تصریح بر ممنوعیت حضور نیروهای مسلح بیگانه»، «انحصار هرگونه دریانوردی صرفاً با پرچم پنج کشور ساحلی»، «ممنوعیت در اختیار قرار دادن قلمروی کشورهای ساحلی به بیگانگان برای اقدام و تجاوز علیه دیگر کشور ساحلی» قید شده‌اند. البته تبیین جزئیات مربوط به مسائل تخصصی، موکول به تدوین موافقت‌نامه‌های جداگانه دیگر خواهد بود (سایت ریاست جمهوری، ۱۳۹۷)، در بخش دیگری از همان نطق می‌گوید:

«لازم می‌دانم به مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و شوروی سابق، اشاره کنم و تأکید نمایم که در کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، محدوده بستر و زیربستر هنوز تعیین نشده است و این امر متعاقباً طی توافق میان طرف‌های ذیربط انجام خواهد شد» (همان).

ایران بر اساس اصول حقوق بین‌الملل به اقداماتی دست زده است که بتواند از حقوق حقه خود دفاع کند. سوابق تاریخی که مورد استناد ایران قرار می‌گیرند عبارت‌اند از:

قرارداد مودت ۱۹۲۱ میلادی

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه و روی کار آمدن دولت کمونیستی به رهبری لنین، ایران اولین کشوری بود که رژیم جدید حاکم بر روسیه را به رسمیت شناخت. روابط ایران و روسیه از اوایل قرن نوزدهم در جنگ و ستیز گذشت، حاصل دو جنگ ایران و روسیه از دست رفتن مناطق شمالی رود ارس در دو معاهده گلستان و ترکمانچای بود، لنین پس از سقوط دولت تزاری اعلام داشت قراردادهای استعماری رژیم تزاری ملغی است، در تاریخ هفتم اسفند ۱۲۹۹ هجری شمسی برابر با ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی قرارداد جدیدی منعقد شد که از طرف دولت ایران، علیقلی خان مشاورالممالک و از طرف دولت جدید کمونیستی شوروی، کاراخان، معاهده مودت را امضا کردند (نوازی، بهرام، ۱۳۶۹).

فصل یازدهم از عهدنامه مودت مربوط به حقوق طرفین در دریای خزر است. در عهدنامه ترکمانچای که در سال ۱۸۲۸ میلادی بین عباس‌میرزا از طرف ایران و ژنرال پاسکویچ از طرف روسیه تزاری در دهکده ترکمانچای به امضا رسید، حق داشتن بحریه از ایران در خزر سلب شده بود و ایران حق کشتی‌رانی جنگی در دریای مازندران را نداشت.^۱ با وصف بالا، موضوع کشتی‌رانی در دریای مازندران که در فصل هشتم عهدنامه گلستان و فصل ششم عهدنامه ترکمانچای به دو بخش کشتی‌رانی تجاری و کشتی‌رانی جنگی تقسیم شده بود، نمایانگر آن است که حق کشتی‌رانی جنگی در دریای خزر از ایران سلب شده بود.

در فصل یازدهم عهدنامه مودت سال ۱۹۲۱ میلادی، کشتی‌رانی در دریای خزر به حالت مساوی درآمد و به صراحت مقرر شد: «از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق

۱. فصل هشتم عهدنامه

کشتی‌رانی آزاد در زیر بیرق خود در دریای خزر داشته باشند و مفاد همین فصل مجوزی شد که ایران هم همانند دولت شوروی در دریای خزر از حق کشتی‌رانی مساوی برخوردار باشد». عهدنامه مودت مبنای مراودات و توافقات ایران و شوروی، در سال‌های بعد شد.

عهدنامه ۱۹۴۰ میلادی

عهدنامه دیگری که باید بررسی شود. عهدنامه ۱۹۴۰ میلادی بین ایران و شوروی است که قرارداد بازرگانی و بحریمایی بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نامیده می‌شود (مطالعات دریای خزر، ۱۳۹۷).

بند ۱۱ معاهده برمی‌گردد به حمل مسافر و کالا با وسیله نقلیه و کشتی و ماده ۱۲ که عیناً نقل می‌شود، برمی‌گردد به نحوه استفاده طرفین از آب‌های دریای مازندران:

«در بندرهای طرف متعاقد دیگر چه در حین ورود و چه در مدت توقف و چه در موقع خروج از هر حیث مثل کشتی‌های کشوری رفتار می‌شود، کشتی‌های مزبور عوارض بندری دیگری نخواهند پرداخت، جز آنچه قانوناً برای کشتی‌های کشوری وضع گردیده، آن هم به همان شرایط و با همان معافیت در موقع گرفتن عوارض مزبور، اشیای مذکور جزء کالاهای وارده یا صادره محسوب و منظور نخواهد شد»، یکی از بندهای قرارداد که جلب توجه می‌کند:

«کشتی‌هایی که در دریاهایی غیر از دریای خزر زیر پرچم یکی از طرفین متعاهدین سیر می‌نمایند، در آب‌های کشوری و بندرهای طرف متعاقد دیگر از جهت کشتی‌رانی و عوارض از همان حقوق و مزایایی که در این مورد به کشتی‌های دولت کامله‌الوداد اعطا می‌گردد، بهره‌مند می‌شوند و طرفین موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتی‌هایی جز کشتی‌های متعلق به ایران یا به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی یا متعلق به اتباع و بنگاه‌های بازرگانی و حمل‌ونقل کشوری یکی از طرفین متعاهدین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می‌نمایند نمی‌توانند وجود داشته باشند. به این کشتی‌ها تصدیق‌نامه‌های کشتی که از طرف مقامات صالحه طرفین متعاهدین به کشتی‌هایی که زیر پرچم ایران و اتحاد جماهیر شوروی در دریای خزر سیر می‌نمایند، داده می‌شود».

صرف نظر از مقررات فوق هر یک از طرفین متعاهدتین، ماهیگیری را در آب‌های ساحلی خود تا حدود ۱۰ مایل دریایی به کشتی‌های خود اختصاص داده و این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که واردات ماهی‌های صیدشده از طرف کارکنان کشتی‌هایی که زیر پرچم او سیر می‌کنند، از تحقیقات و مزایای خاصی بهره‌مند کند.

برابر ماده ۱۶، این قرارداد برای مدت سه سال منعقدشده و درباره فسخ قرارداد و ادامه آن نیز آمده است:

هرگاه یکی از طرفین شش ماه پیش از انقضای مدت سه سال مزبور فسخ قرارداد را اعلام نکند، قرارداد خودبه‌خود برای مدت غیر معینی تمدیدشده محسوب خواهد شد. در این صورت می‌توان قرارداد را در هر موقع با اخطار شش ماه قبل فسخ کرد. تاریخ ذکرشده انعقاد قرارداد پنجم فروردین سال ۱۳۱۹ هجری شمسی مطابق با ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میلادی می‌باشد که با دو متن روسی و فارسی در تهران تنظیم شده است.

معلوم می‌شود استالین از حضور آلمان‌ها در ایران و فعال بودن خط آهن سراسری ایران نگران بوده و با امضای این قرارداد که در بندبند آن نوعی همیاری و همراهی با ایران حس می‌شود، آن را تنظیم کرده است تا از پشت جبهه ایران خیالش راحت باشد. از سال ۱۹۴۰ میلادی دیگر قرارداد درخور توجهی که به دریای مازندران و نحوه استفاده از آن پردازد، بین ایران و شوروی و بعد از فروپاشی بین ایران و روسیه و سه کشور تازه‌استقلال‌یافته وجود ندارد و کنوانسیون‌هایی که در روزهای ابتدایی شهریورماه ۱۳۹۷ هجری شمسی، به امضای پنج رئیس‌جمهور کشورهای دریای خزر رسید، آخرین تصمیم طرفین است که از نظر حقوقی مفاد قراردادهای قبلی را با توجه به تاریخ قرارداد لاحق ملغی کرده است، مگر اینکه در متن کنوانسیون امضا شده، شرط دیگری لحاظ شده باشد (احمدی، شرق، ۱۳۹۷/۵/۳۰).

قرارداد آخال

در قرار داد آخال، استرداد قصبه فیروزه به ایران در آن مندرج است و در قرارداد مودت ۱۹۲۱ میلادی ایران و روس نیز بر آن تأکید شده، این قرار داد کمتر شناخته شده است.

قرارداد آخال یا قرارداد مرزی ۱۸۸۱ میلادی در زمانی میان ناصرالدین شاه و روسیه منعقد شد که روسیه سرمست از فتوحات قفقاز به جهان‌گشایی در شرق خزر پرداخته بود و ایران پس از چند شکست متوالی در قفقاز و هرات با مشکلات بسیاری دست‌به‌گریبان بود. یکی از این مشکلات یورش‌ها و غارت‌های ترکمانان و گاه ازبک‌های شمال‌اترک به شهرهای خراسان و حتی شکار و ربودن دختران ایرانی بود! شاید قرارداد آخال را که به جدایی مرو، خیوه، خوارزم، سمرقند و بخارا و مناطق تاجیکستان از ایران و انضمام آن به امپراتوری روسیه انجامید، نتوان به آن اندازه که از ظاهر و آثار آن برمی‌آید، از لحاظ جغرافیای سیاسی ایران مصیبت‌بار دانست، زیرا از قدیم‌الایام این سرزمین‌ها یا خانات آسیای مرکزی و امارت بخارا برای خودشان خوانین و امرای مستقل و خودمختاری داشتند که ارتباط تاریخی آن‌ها با ایران بر پایه تمایل به احراز نوعی هویت فرهنگی و تاریخی با ارتباط رقیق و کنفدرالی بود و در واقع این امپراتوری روسیه بود که با به‌رسمیت‌شناختن حاکمیت ایران بر آن نقاط و سپس با انعقاد قرارداد مرزی ۱۸۸۱ میلادی [مطابق با ۳۰ شهریور ۱۲۶۰ شمسی] به سلطه خودش بر آن مناطق رنگ حقوقی و قانونی بخشید. برای ناصرالدین شاه نیز فرصتی بود تا به ضرب قدرت روسیه، خراسان و شهروندانش را از آسیب تجاوزات مکرر ترکمانان آن سوی اترک نجات دهد. با این حال برخی تغییرات سرحدی موجب مقاومت مردم قصبه فیروزه شد که منطقه‌ای خوش‌آب‌وهوا در نزدیکی عشق‌آباد مرکز ترکمنستان است. مردم فیروزه که کرد یا فارسی‌زبان و شیعه بودند زیر بار جدایی از ایران نمی‌رفتند، بنابراین در قرارداد آخال بر تعلق آن منطقه به ایران تأکید شد؛ اما روسیه، با وجود اعتراضات مکرر دولت ایران، هیچ‌گاه حاضر به استرداد فیروزه به ایران نشد تا اینکه دولت تزاری سقوط کرد و قرارداد مودت ۱۹۲۱ میلادی میان ایران و دولت انقلابی روسیه به امضا رسید. روسیه انقلابی برای ابراز حسن نیت خود و با توجه به پافشاری دولت ایران، در این قرارداد بار دیگر بر تعلق فیروزه به ایران تأکید کرد. لنین مرد و استالین که به دلیل نزدیکی فیروزه به عشق‌آباد آن را سرپلی استراتژیک برای دستیابی دشمن به آن سوی ارس می‌دانست، با استرداد آن بخش مخالفت کرد؛ اما شوروی پس از مرگ استالین به سازشی

تن داد و در ازای الحاق فیروزه به ترکمنستان، ضمن برخی اصلاحات مرزی، در سال ۱۳۳۳ شمسی به موجب قراردادی که به تصویب مجلس ایران هم رسید، پس از ۸۰ سال کشمکش صد کیلومترمربع از ناحیه مغان در شمال اردبیل و ۲۰ کیلومترمربع در سرخس خراسان و ۲۰ کیلومترمربع در «دیمان» و بخشی از زمین‌های «یدی اولر» را در نزدیکی آستارا به ایران واگذار کرد. دشت مغان و یدی اولر از بهترین زمین‌های کشاورزی منطقه‌اند و منطقه سرخس منابع گاز دارد و می‌توان گفت در این مورد ایران بازنده نبوده است (مجلسی، شرق، ۹۷/۵/۳۱).

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

تمیز دادن دریاها و دریاچه‌ها از هم از دو منظر قابل بررسی است؛ زمین‌شناسان برای تفکیک میان دریا و دریاچه به معیارهایی چون میزان نمک موجود در آب، عمق، ظرفیت حیاتی جانداران، طریقه تشکیل و بالآخره وجود فلات قاره متوسل می‌شوند، اما این تفکیک در حقوق بین‌الملل از جایگاه قابل قبولی برخوردار نیست، بلکه معیارهای دیگری وجود دارد. از جمله این معیارها کنوانسیون حقوق دریاهاست که تمام دریاها و اقیانوس‌ها را در برمی‌گیرد. حقوقی که این کنوانسیون برای کشورهای مجاور دریاها به رسمیت می‌شناسد عبارت است از حقوق مربوط به دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و بستر دریا که به دو منطقه فلات قاره و منطقه بین‌المللی اعماق تقسیم می‌شود. ماورای این مناطق، دریای آزاد به شمار می‌رود.

در خلال ۲۶ سال مذاکرات مربوط به تعیین نظام حقوقی دریای خزر بین کشورهای ساحلی، به‌طور اخص در جلسه سران کشورهای ساحلی در آلماتی (یکبار) صریحاً به این پهنه آبی به‌عنوان دریاچه اشاره شد. ولی بعد از آن عملکرد این کشورها، به صحبت‌های پرداخته‌شده است، توافقات صورت‌گرفته، به‌خصوص کنوانسیون اوت ۲۰۱۸ میلادی در قزاقستان، ساختار و محتوایشان چنین مشخص می‌شود که کشورهای ساحلی این پهنه آبی را

دریاچه، معنا کرده‌اند. نشانه بارز این موضوع آن است که در کنوانسیون جدید، عرض دریای سرزمینی ۱۵ مایل دریایی، (حدود ۲۸ کیلومتر) تعیین شده که خلاف اصل حقوقی ای است که در مورد دریاهای آزاد رعایت می‌شود. در دریاهای آزاد که تحت نظام حقوقی کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی سازمان ملل متحد (حقوق دریاها) هستند، حداکثر عرض دریای سرزمینی ۱۲ مایل دریایی تعیین شده است و بنابراین تعیین عرضی بیشتر از ۱۲ مایل غیرقانونی است. در مورد دریاچه‌ای که توسط پنج کشور محصور شده، با هم توافق کرده‌اند که عرض دریای سرزمینی هر کشور ۱۵ مایل باشد. لذا با وجود اینکه کنوانسیون هم به‌عنوان «دریای خزر» ذکر شده، باید از لحاظ حقوقی یک دریاچه محسوب شود.

طبق توافقی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بین طرفین صورت گرفت، نیازی به ایجاد نظام حقوقی جدید در دریای خزر نبود و معاهدات سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی با همان شرایط می‌توانست استمرار یابد، ولی خیلی زود نظر روسیه تغییر کرد و در سال ۱۹۹۸ میلادی در زمان رئیس‌جمهور بوریس یتسین قرارداد دوجانبه‌ای با قزاقستان منعقد نمود. دو کشور با هم توافق کردند که منابع معدنی در زیربستر دریای نزدیک خودشان را تقسیم کنند. طبیعتاً این توافق خلاف اصل توافق جمعی همه کشورها بود. استدلال حقوقی روسیه بر اساس قلمداد کردن دریای خزر به‌مثابه دریاهای آزاد بود که یک کشور ساحلی اجازه دارد حاکمیتش را در مورد استفاده از منابع طبیعی خود در بستر و زیربستر دریا که ادامه طبیعی خاکش است ادامه دهد. در صورت تلاقی محل وجود این منابع طبیعی با محلی که مورد ادعای حاکمیت یک کشور همسایه است، کشور ساحلی باید با آن کشور همسایه برای تقسیم منابع بر اساس اصل استقلال و تمامیت ارضی مذاکره و توافق کند. روسیه با همین تفکر در سال ۲۰۰۲ میلادی قرارداد مشابهی با آذربایجان منعقد کرد و بخش عمده‌ای از منابع زیربستر شمال دریای خزر بین این سه کشور تقسیم شد.

مختصات جغرافیایی، میزان منابع طبیعی زنده و منابع معدنی در هر قسمت پهنه آبی، چه دریا و یا دریاچه، در تعیین مختصات نظام حقوقی و همین‌طور در تقسیم این مناطق و منابعشان، تأثیر مستقیم دارد. کشورها برای تعیین مناطق دریایی از ابزار و روش‌های

گونگون مثل خط میانه یا خط متساوی الفاصله از دو ساحل یا مثلاً ملحوظ داشتن طول ساحل - اینکه یک کشور ساحلش طولانی تر است و کشور دیگر ساحلش کوتاه تر است - استفاده می کنند، در حقوق بین الملل مربوط به دریاها به طور کلی، عملکرد کشورها و دادگاه های بین المللی در زمینه تحدید حدود مناطق دریایی در طول نیم قرن گذشته موجب تثبیت یک اصل مهم حقوقی شده است که به «اصل انصاف» یا «نَصِیْفَت» معروف است. این اصل بیان می دارد که «صرف نظر از اینکه چه روشی برای سهم بندی مناطق و منابع دریا به کار برده شود، نتیجه باید معدلی از منافع طرف های اختلاف و مورد قبول آنها باشد».

بر اساس مطالب گفته شده لازم است تا منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه های مختلف تأمین شود. در مفاد قراردادهای مذکور تلویحاً و تصریحاً به موارد زیر اشاره شده است که:

در حوزه اقتصادی منافع ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت اند از:

- بهره برداری مناسب و به اندازه حق السهم عادلانه بر اساس «اصل نَصِیْفَت» از منابع زیربستر، یعنی نفت و گاز حوزه خزر.
- بهره برداری از امکانات صید و ماهی های خاویاری در جهت حفظ کیفیت خاویار صادراتی ایران و بازارهای جهانی.
- داد و ستد مناسب با کشورهای ساحلی در جهت بهره گیری از مسیر امن ایران برای صدور کالاها و فرآورده های نفتی کشورهای ساحلی به شکل ترانزیت، سوآپ و یا هر شیوه دیگر معاملات تجاری، با لحاظ منافع همه طرف های دخیل.
- با توجه به رژیم حقوقی دریای خزر، از نظر نظامی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران، انتظار می رود ضمن رعایت اصل هم جوارری و امنیت متقابل به نکات زیر تأکید شود و مورد احترام قرار گیرد:
- سطح رقابت های بی حاصل و هزینه های ناشی از این گونه رقابت ها را کاهش دهند.
- منطقه را از حضور بیگانگان تهی نموده و با تمهیدات مشترک، سطح امنیت ملی و امنیت منطقه ای را ارتقا داده، آرامش و ثبات بیشتری را بر حوزه دریای خزر حاکم نمایند.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

ماحصل سال‌ها تلاش برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر شکل‌گیری وضعیت نظری دوگان‌هاست. در یک سو روسیه و سه کشور ساحلی دیگر دریای خزر و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. در این شرایط، نظرات جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان تا حدودی زیادی به یکدیگر نزدیک شده و جبهه‌ای متفق را در مقابل ایران به وجود آورده‌اند. اتفاق نظر گروه مقابل ایران، منجر به آن شده است که دیگر کشورهای ساحلی به‌رغم صحبتی که در مورد لزوم تصمیم‌گیری جمعی می‌شود دو به دو به توافق‌های مهمی دست یابند، توافق‌هایی که مشکل رژیم حقوقی دریای خزر را تا حدود زیادی میان آن‌ها برطرف می‌سازد.

ولادیمیر پوتین و نور سلطان نظربایف رؤسای جمهور روسیه و قزاقستان در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۱ هجری شمسی قرارداد تقسیم منابع بخش شمالی دریای خزر را امضا کردند. در این توافقنامه، خط میانی که بستر بخش شمالی دریای خزر را میان این دو کشور تقسیم می‌کند مبنا قرار گرفت. هم‌زمان با این توافقنامه، روزنامه «کامر سانت» چاپ مسکو از توافق روسیه و جمهوری آذربایجان درباره مختصات مرزهای بستر دریای خزر خبر داد. این قرارداد نیز در مهر سال ۱۳۸۱ هجری شمسی از سوی رؤسای جمهور دو کشور روسیه و آذربایجان امضا و برای تصویب به پارلمان‌های دو کشور فرستاده شد.

قزاقستان و جمهوری آذربایجان معتقد به تقسیم دریای خزر هستند. قزاقستان این تصمیم را مطابق الگوی حقوق دریاها و جمهوری آذربایجان مطابق تقسیم به بخش‌های ملی مطرح می‌سازند. هر دو دولت، هم در اصل تقسیم و هم در شیوه تقسیم و تعیین حدود ملی اتفاق نظر دارند. اصل تقسیم در مقابل نظریه مشاع یا بهره‌برداری مشترک مطرح می‌شود و بر همین اساس قزاقستان و جمهوری آذربایجان نسبت به امضای موافقت‌نامه میان خود در مورد تحدید حدود مرزی بستر و زیربستر در دریای خزر اقدام کرده‌اند. دو دولت روسیه و آذربایجان با اینکه هر دو معتقد به تقسیم دریا هستند، اما

تفاوت مهمی نیز بین دیدگاه‌های آن‌ها وجود دارد. روسیه تقسیم را تنها برای بستر دریا و بهره‌برداری از منابع بستر و زیربستر دریا قابل قبول می‌داند؛ اما جمهوری آذربایجان تقسیم دریاها را به بخش‌های ملی پیشنهاد می‌کرد که این می‌توانست بستر و روی بستر و آب‌های سطحی را نیز شامل گردد. با توجه به مخالفت‌های شدید روسیه و قزاقستان به تقسیم آب‌های سطحی به بخش‌های ملی، جمهوری آذربایجان در پیشنهاد تقسیم خود تعدیلاتی به وجود آورد و اینک مسئله تقسیم را تنها برای بستر مطرح می‌سازد و با یک چنین زمینه توافق نظری، دو دولت موافقت‌نامه‌ای منعقد کرده‌اند که وضعیت بستر تحت صلاحیت یا مالکیت هر یک را در دریا در مناطق هم‌جوار مشخص می‌سازد. از سوی دیگر یکی از موارد اختلاف میان کشورهای ساحلی به اختلاف بین ترکمنستان و آذربایجان برمی‌گردد. دو کشور با اصل تقسیم دریای خزر موافق هستند. اختلاف باکو و عشق‌آباد در شیوه تقسیم و ملاحظات مربوط به تقسیم است و حول دو محور می‌باشد. جمهوری آذربایجان بر تقسیم خط میانه اصرار دارد که حدود مرزها باید توسط خط واسط انجام گیرد. محور دوم این اختلاف به استناد آن‌ها به مفاد حقوق دریاها و با قواعد حقوق بین‌الملل در مورد شرایط فلات خزری مربوط می‌شود که ترکمنستان مدعی است اگر آن ملاحظات ملاک قرار گیرد، محدوده بخش ترکمنستان از منطقه‌ای که بر اساس تقسیم سابق داخلی در اتحاد شوروی سابق بوده است فراتر می‌رود و سهم ترکمنستان چیزی بیش از ۲۰٪ خواهد بود. همین تفاوت دیدگاه موجب می‌شود که مناطقی از حوزه‌های اثبات‌شده نفتی در دریای خزر در محدوده‌ای از این دو کشور قرار گرفته و یا از آن خارج شود. در خصوص دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، تهران همانند مسکو استدلال می‌کرد که قراردادهای ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ میلادی میان ایران و شوروی پیشین باید تعیین‌کننده رژیم حقوقی و چگونگی اداره امور دریای خزر باشد. البته جمهوری آذربایجان با پافشاری بر خط فرضی و موهوم آستارا - حسنیقلی تلاش دارد تا در دسترسی جمهوری اسلامی ایران به حقوق کاملش در این دریا اخلال ایجاد کند.

جمهوری اسلامی ایران پیوسته در گفتگوهای خود بر مشاع بودن خزر تأکید می‌ورزد. پافشاری ایران بر مشاع بودن خزر با و رعایت کلیه ملاحظات امنیتی مطابق با مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، امنیتی-نظامی ... همراه است. با عنایت به یافته‌ها و تحلیل آن‌ها اکنون می‌توان پاسخ سؤالات تحقیق را بدین‌گونه دسته‌بندی نمود.

در پاسخ به سؤال اول: آیا امضا و توافق در کنوانسیون، امضاشده توسط رؤسای جمهور پنج کشور ساحلی دریای خزر، تأمین‌کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باشد؟ بر اساس تحلیل‌های مذکور، باید اشاره شود که از آنجا که جمهوری اسلامی ایران از موقعیت چندان مطلوبی در ارتباط با رژیم‌های حقوقی دریاها برخوردار نیست، لذا لازم است تا با ایجاد اعتماد و همکاری‌های فی‌مابین بر اساس علایق و خواسته‌های مشترک، برخورداری‌های خود را از مواهب خداداد منطقه بر اساس اصل «نَصِیْفَت» افزایش دهد.

به‌منظور پاسخ به سؤال دوم: آیا رژیم حقوقی دریای خزر شکل نهایی خود را یافته است؟ باید گفت که زمینه امکان آنکه توافقات آتی، بر اساس اصل نَصِیْفَت، حق السهم و منافع بیشتری را برای ایران اسلامی به رسمیت بشناسند و رژیم حقوقی دریای خزر شکل نهایی خود را به دست آورد، وجود دارد و برای به دست آوردن آن لازم است تا اقداماتی همچون انجام مذاکرات، در سطح کارشناسی و مسئولین در رده‌های بالاتر، شرایط امضای توافق نهایی رژیم حقوقی دریای بسته خزر را فراهم آورند، لذا لازم است تا بر اساس اعتماد و تکیه بر قانون، همه ذینفعان در محدوده‌های خود سطح همکاری‌ها را ارتقا بخشند.

به‌منظور پاسخ به سؤال سوم، مواضع هر یک از کشورهای ساحلی دریای خزر برای تعیین رژیم حقوقی این دریای بسته چه بوده؟ و طی سال‌هایی که در مذاکره بوده‌اند چه تغییراتی در آن حادث شده؟ و چگونه می‌توان چالش‌های آن را مرتفع نمود؟ با تحلیل یافته‌های به‌دست‌آمده، لازم است تغییرات در مواضع کشورهای ساحلی بر اساس

قراردادهای جداگانه با بیگانگان با استدلال‌های حقوقی و منطقی تعدیل و به‌روزرسانی شود. این تغییرات شامل موارد زیر است.

- اعتماد کشورهای ساحلی با یکدیگر، بر اساس توافقات حاصله از رژیم حقوقی، امکان همکاری‌های تکنولوژیک و سرمایه‌گذاری‌های مشترک فی‌مابین کشورهای ساحلی، به‌خصوص در حوزه منابع هیدروکربنی را افزایش یابد.
 - از صرف هزینه‌های غیر ضرور ناشی از رقابت‌های بر اساس بی‌اعتمادی جلوگیری کند.
 - سهولت بیشتری برای بهره‌برداری از منابع هر یک از کشورها، با بهره‌گیری از بهترین و باصرفه‌ترین مسیرها را فراهم نموده و از تردد غیر ضروری بیگانگانی که ممکن است محل به امنیت ملی ایران باشند، جلوگیری نماید.
 - سطح ثبات و آرامش منطقه‌ای را افزایش و توسعه داده، شرایط تبادلات بهتر کالا و خدمات فی‌مابین مردم و دولت‌های محلی را بیش از گذشته فراهم آورد.
 - از تخریب و نابودسازی محیط زیست و منابع دریای خزر به خاطر رقابت‌های ناسالم در جهت بهره‌برداری‌های منفعت‌طلبانه هر یک از کشورها در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به‌منظور جلوگیری از استفاده دیگر کشورها جلوگیری نماید.
- بدین ترتیب است که چالش‌های موجود در روابط بین کشورهای ساحلی دریای خزر کاهش یافته و منافع ملی و امنیت کشورها بالمنافسه تأمین و به‌تبع آن منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز تأمین خواهد شد.

جمع‌بندی

تاریخ طولانی گذشته دریای خزر، نشان‌دهنده این واقعیت است که بعد از تثبیت حاکمیت دولت‌های ایران و روسیه تا امتداد سواحل این دریاچه، همیشه این دو کشور

مشترکاً صاحب حق بوده‌اند. بحث رژیم حقوقی دریای خزر و حفظ حقوق و منافع ایران در منطقه، هرچند که با بروز تحولات بزرگ منطقه‌ای درگیر تلاطم سیاسی شد، اما اساساً موضوعی حقوقی است و مطابق معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به دریاچه‌ها و دریا‌های بسته مشترک میان کشورها، قواعد و تعاریف مشخصی دارد. مباحث مربوط به دریای خزر که در مذاکرات دو و پنج‌جانبه کشورهای ساحلی مورد بحث تبادل نظر و چانه‌زنی قرار می‌گیرند، شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. کنوانسیون رژیم حقوقی که شامل موضوعاتی همچون تعیین محدوده‌های مربوط به سطح دریای خزر (مناطق حاکمیتی، اقتصادی، شیلاتی و پهنه مشترک) و تحدید حدود بستر و زیربستر می‌شود؛
 ۲. مسائل امنیتی و انتظامی و همچنین مسئله ممنوعیت حضور کشورهای ثالث در دریای خزر؛
 ۳. مسائل مربوط به انرژی (اعم از اکتشاف، بهره‌برداری نفت و گاز) و همچنین مسئله احداث خطوط لوله در بستر دریای خزر؛
 ۴. محیط زیست؛
 ۵. شیلات؛
 ۶. حمل و نقل، کشتیرانی، بندرها و مسئله ترانزیت آزاد کانال ولگا-دن؛
 ۷. تجارت و همکاری‌های اقتصادی.
- کنوانسیون رژیم حقوقی سند کلان و چارچوبی است که وضعیت کلی دریا و حقوق و تکالیف کشورها را ترسیم می‌کند. مسائل جزئی‌تر مانند سهم کشورها از بستر و زیربستر از طریق موافقت‌نامه‌ها تعیین خواهد شد. عمده‌ترین این موارد عبارت‌اند از:
- شیوه‌های تقسیم بستر و زیر بستر؛
 - وضعیت نظامی؛
 - حضور کشورهای ثالث؛
 - احداث خطوط لوله.

روند هارمونی رویدادهای اخیر، نشان از تغییرات در راهبردهای منطقه‌ای تهران در حوزه خزر و قفقاز دارد، در حوزه خزر ایران هنوز دارای سیطره و سلطه محسوس است. کشورهای ساحلی غیر از ایران و روسیه حوزه خزر را تبدیل به کانون مبادله انرژی از طریق برگزاری مناقصه‌های کلان اقتصادی با کارتل‌ها و تراست‌های نفتی و گازی کرده‌اند. بر این مبنا هرگونه تغییرات امنیتی و دفاعی در این حوزه حساس، تبعات غیر قابل جبران اقتصادی برای این کشورها از جمله ایران به همراه خواهد داشت؛ وضعیتی که در صورت تحقق آن ایران باید کماکان برخواسته‌های خود پافشاری کند. نکته مهم آن است که ایران در حوزه خزر از موقعیت خوبی برخوردار نیست. از طرفی روسیه صرفاً منافع خود را دنبال می‌کند و دیگران نیز با تکیه بر قدرت آمریکا و جلب پشتیبانی شرکت‌های بزرگ غربی درصدد تأمین منافع خود هستند و روز به روز موقعیت ایران را تضعیف می‌نمایند. در نتیجه اگر کشورهای عضو بر موضعی که تا پیش از اجلاس سران در ماه اوت ۲۰۱۸ میلادی داشته‌اند اصرار بورزند، بعید است که جمهوری اسلامی ایران بتواند بیشتر از ۱۱/۵٪ (خط فرضی حسینقلی - آستارا) دست یابد.

اگر روش‌های معمولی مثلاً خط میانی اصلاح‌شده را که همان روشی است که روسیه و قزاقستان و روسیه و آذربایجان در قراردادهای سال ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ میلادی برای تقسیم مناطق دریایی از آن استفاده کردند در مورد ایران و آذربایجان یا ایران و ترکمنستان به کار ببریم، سهم ایران به خاطر شکل ساحلش در مقایسه با ساحل آذربایجان و ساحل ترکمنستان خیلی کم می‌شود. در نتیجه در قسمت ایران اگر این روش را به کار ببرند، آن قسمتی که سهم ایران می‌شود، تقریباً دارای هیچ منبع گاز و نفتی نیست و به درد ایران نمی‌خورد. حال اگر ۳۰ درصد کل دریای خزر هم در این قسمت به ایران داده بشود که نخواهد شد، باز هم هیچ منبعی در آن نیست و به درد ایران نمی‌خورد، عمق دریا در قسمت ایران در حدی است که از نظر اقتصادی تا سال‌های خیلی زیادی بهره‌برداری منابع احتمالی که در آنجا ممکن است وجود داشته باشد، به صرفه نیست و به همین دلیل ایران

اصرارش این است که باید اصل انصاف را به کار برد و تمام دریا باید به پنج قسمت ۲۰ درصدی تقسیم شود. البته به نظر می‌رسد واقعاً این مسئله ۲۰ درصد آن قدر مهم نیست و ممکن است حتی ۱۶ درصد هم قابل قبول باشد، به شرط آنکه این ۱۶ درصد طوری انتخاب بشود که یک مقدار از آن منابع نفتی و گازی که ایران مدعی آن است یا همه‌اش در آن قسمت قرار گیرد. به همین دلیل، در صورت مراجعه به دادگاه صالحه بین‌المللی و توجه دادگاه به این مسئله که کف دریا به‌صورتی تقسیم‌بندی شود که منابع آن به‌صورت عادلانه و بر اساس اصل انصاف تقسیم شود، برای تأمین منافع ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، قانع‌کننده بود.

از سوی دیگر، نقش ایران در منطقه ژئوپلیتیک خزر این ذهنیت را در آمریکاییان ایجاد کرده که هرگونه دخالت ایران در امور منطقه مخالف خواسته‌های آمریکا می‌باشد و در واقع ایران سایه‌ای سنگین بر روابط میان آمریکا و روسیه افکنده است. آمریکا همچنان از این بیم دارد که اگر ایران موفق شود تا با کمک روسیه برنامه‌های هسته‌ای خود را پیش ببرد، بنابر اصول جدی سیاست خارجی آمریکا در منطقه خزر؛ یعنی «اصل همه چیز بدون ایران است» - ولو به قیمت محروم ساختن ایران از حقوق حقه‌اش در دریای خزر - از این رهگذر شرایط موجود علی‌رغم دارا بودن عناصری از فرصت، بیشتر به‌عنوان یک تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسئله مهم، تعیین خط مبدأ است که کنوانسیون، آن را به آینده موکول کرده است. خط مبدأ، خطی است که از آن خط، تمام مناطق دریایی را محاسبه می‌کنند. در کنوانسیون تصریح شده است که همه پنج کشور ساحلی عضو حق دارند یک منطقه دریای سرزمینی داشته باشند. برای محاسبه دریای سرزمینی و سایر مناطق تحت حاکمیت یا کنترل دولت ساحلی، باید خط مبدأ تعیین شود. اگرچه خط مبدأ در کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی حقوق دریاها تعریف شده است و مطابق آن، کشور ساحلی با

توجه به شکل و مختصات جغرافیایی ساحلش می‌تواند از به اصطلاح «خط مبدأ عادی» و یا «خط مبدأ مستقیم» استفاده کند. خط مبدأ عادی در مورد سواحلی به کار می‌رود که خط ساحلی منظم، بدون فرورفتگی و بدون پدیده‌های جغرافیایی نامنظم دارند و در نزدیکی ساحل هم جزایری وجود ندارد. در این صورت خط مبدأ را در نقطه خط پایین‌ترین جزر قرار می‌دهند. به زبان ساده، خط مبدأ در این موارد کم‌وبیش نزدیک خط ساحل است و بعضاً این‌گونه سواحل را «مقعر» می‌گویند که سواحل ایران این چنین است و آن مقدار از آب دریا که پشت خط مبدأ به سمت ساحل قرار می‌گیرد آب‌های داخلی محسوب می‌شود. این روشی است که قاعداً باید در مورد ایران به کار برود.

روش دیگر، خط مبدأ مستقیم است و در مورد سواحلی به کار می‌رود که دارای فرورفتگی‌های زیاد یا سایر پدیده‌های جغرافیایی نامنظم هستند و یا در نزدیکی آن‌ها جزایر متعددی وجود دارند، به این نوع سواحل «محدب» گفته می‌شود. در این صورت خط مبدأ مستقیم در خارج و بلافاصله پس از این فرورفتگی‌ها، خلیج‌ها و یا جزایر کشیده می‌شود. چهار کشور دیگر دریای خزر به سبب شکل ساحلشان می‌توانند از خط مبدأ مستقیم استفاده کنند و بنابراین میزان آب‌های داخلی آن‌ها قابل توجه خواهد شد. در کنوانسیون اخیر دریای خزر هم این تعاریف از خط مبدأ پذیرفته شده‌اند. ایران موفق شده آن را در کنوانسیون بگنجانند و بسیار به نفع ایران خواهد بود. بقیه کشورها گنجاندن این مسئله در کنوانسیون را پذیرفته‌اند، لذا:

- اولاً خط مبدأ مستقیم هر کشور باید با توافق هر پنج کشور تعیین بشود، در حالی که از نظر حقوق بین‌الملل و مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ میلادی حقوق دریاها خط مبدأ را هر کشوری خودش تعیین و اعلام می‌کند.
- ثانیاً و مهم‌تر اینکه در کنوانسیون تأکید شده که: چنانچه شکل ساحل، یک کشور ساحلی را در تعیین آب‌های داخلی‌اش آشکارا در وضعیت نامساعدی قرار دهد، این وضعیت هنگام ایجاد روش فوق (خط مبدأ مستقیم) به‌منظور دستیابی به

تفاهم میان تمامی طرف‌ها مدنظر قرار خواهد گرفت. مفهوم این ماده این است که ایران در مذاکرات پنج‌جانبه آینده برای تعیین خط مبدأ با وجود بدشانسی ناشی از شرایط جغرافیایی در موضعی مساوی با سایر کشورها قرار دارد و می‌تواند برای تعیین خط مبدأ مناسب‌تری اصرار کند.

این موارد مورد پذیرش دیگر کشورها قرار گرفته است و خود موفقیت عمده برای ایران است. در مورد بستر و زیربستر دریا هیچ تصمیمی گرفته نشده؛ نه منطقه‌ای تعیین شده، نه نحوه تقسیمش مشخص شده است. این موضوع مربوط به آینده است. حدود ۴۹ درصد فی‌مابین روسیه با سهم ۱۷٪ و قزاقستان با سهم ۳۲٪ تقسیم شده و ۵۱٪ باقیمانده برای سه کشور ایران، ترکمنستان و آذربایجان است که باید دید تا چه اندازه اصل انصاف رعایت می‌شود؟

در خصوص رعایت منافع ملی و تأمین همه مؤلفه‌های امنیت ملی نیز رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به روشنی مواضع ایران را من جمله عدم حضور و عدم تردد نیروهای بیگانه و جلوگیری از نظامی شدن جو دریای خزر در پنجمین اجلاس سران ابراز داشت که با توجه به موافقت روسیه به نظر می‌رسد مورد توجه دیگران نیز قرار گیرد، با توجه به نتایج این تحقیق و رعایت ملاحظات اشاره‌شده، انتظار می‌رود موقعیت ایران در دریای خزر از ثبات بیشتر برخوردار گردد تا در مذاکرات کارشناسی نیز اهداف ایران را تأمین نماید.

پیشنهاد

با توجه به طولانی شدن مذاکرات سال‌های گذشته برای نهایی شدن «رژیم حقوقی دریای خزر» کشورهای ساحلی این دریا توافق نموده‌اند تا با قانونمندی، چالش‌ها، مسائل و مشکلات خود را حل و فصل نمایند. تاکنون توافق‌نامه در خصوص مسائل دریانوردی، محیط زیست، ماهیگیری، حوادث غیر مترقبه، بازرگانی و... متعددی به امضا رسیده است. لکن ادامه مذاکرات کارشناسی توأم با مسأحاتی مناطق مورد توجه ایران و مشخص

ساختن دقیق مناطق قطعی هر سه کشور جنوب دریای خزر شامل ایران، ترکمنستان و آذربایجان و نیز مناطق و منابع مشترک فی مابین این سه کشور که بعضاً اختلافی است، می‌تواند تا وقتی اجلاس بعدی سران برای تعیین معاهده مشخص می‌شود، سهم دقیق ایران را روشن نماید، در آن صورت می‌توان گفت که آیا اصل انصاف و امنیت ایران را رعایت کرده‌اند یا خیر؟ هرچند ایران تعجیلی در این امر ندارد، زیرا استخراج نفت از دریای خزر با توجه به عمق آب، دارای هزینه بالاست که در شرایط کنونی دارای توجیه اقتصادی نمی‌باشد، اما اولویت‌دارترین هدف جمهوری اسلامی ایران از بعد امنیت ملی از دستیابی به «رژیم حقوقی دریای خزر»، جلوگیری از حضور و تردد نیروهای بیگانه، به‌خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی به بهانه قراردادهای دوجانبه با کشورهای ساحلی و نظامی و امنیتی کردن دریای خزر و هم‌جواری با ایران اسلامی از سویی و نیز تعیین حق‌السهم ایران از این دریا، در شرایط پسافروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بهره‌برداری از منابع زیربستر این دریا شامل نفت و گاز خزر و همکاری‌های انحصاری با کشورهای یادشده در تأمین امنیت منطقه‌ای و به‌تبع تأمین منافع ملی و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. کتاب‌ها

۱. احمدی‌پور، زهرا (۱۳۷۶)، ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتوی ژئوپلیتیک جدید منطقه، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ش ۴۳، تهران.
۲. اشرافی، مرتضی (۱۳۸۴)، رژیم حقوقی دریای خزر، حقوق بین‌الملل، دریای خزر، جمهوری اسلامی ایران، فدراسیون روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، علوم سیاسی.
۳. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۰)، چالش‌های منطقه خزر، ترجمه سلاله حبیبی، مجموعه مقالات خزر در یک نگاه، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات دریای خزر.
۴. بوداغ، بوداغ اف (۱۳۷۴)، دریای خزر دریا است یا دریاچه، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، س ۴، دوره ۲، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴.
۵. دره میر، حیدر (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک منطقه خزر: تغییر و تداوم، کتاب خزر در یک نگاه، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات خزر.
۶. رستمی، فرامرز؛ اصائلو، علی؛ فتاح، محمدتقی (۱۳۹۵)، «دریای خزر و تحولات کرانه‌های آن»، دانشگاه علوم انتظامی ناچا.
۷. رعنائی، امیدعلی (۱۳۸۹)، دیپلماسی حقوقی دریای خزر، تحولات رژیم حقوقی دریای خزر و دیپلماسی پنج کشور ساحلی دریا، مهر غزال.
۸. طاهری شمیرانی، صفت‌الله (۱۳۷۸)، نظام حقوقی بهره‌برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر، تهران، سیاست خارجی، س ۱۳، ش ۲.
۹. قبادزاده، ناصر؛ خزر (۱۳۸۳)، رژیم حقوقی و مواضع کشورهای ساحلی و نقش آمریکا در منطقه در گفت‌وگو با کارشناسان (دکتر کولایی، دکتر مجتهدزاده، دکتر صفری، دکتر باوند و دکتر مولایی)، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۰. لو، آن؛ چرچیل، رابین (۱۳۷۷)، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش.
۱۱. نوازنی، بهرام (۱۳۶۹)، عهدنامه مودت ایران و شوروی فوریه ۱۹۲۱، تهران، نشر همراه.

ب. فصلنامه‌ها و نشریات

۱. آقایی، بهمن (۱۳۶۶)، رژیم حقوقی دریای مازندران، مجله حقوقی و بین‌المللی، شماره هشتم.
۲. روزنامه «شرق» سه‌شنبه ۳۱ مرداد به نام «از خزر تا فیروزه»، صفحه اول، فریدون مجلسی - تحلیلگر روابط بین‌الملل.
۳. قاسمی، علی دیپلماسی خط لوله و بازی بزرگ در خزر، گزیده تحولات جهان، شماره ۸.
۴. گاز پتروشیمی، ماهنامه اقتصادی تحلیلی، پژوهشی، شهریور ۱۳۸۰، شماره ۱۱.
۵. محمدی‌الموتی (۱۳۹۴)، محسن، رژیم حقوقی دریای خزر: سیاست خارجی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران.
۶. ممتاز، جمشید (۱۳۷۴)، وضعیت حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، دوره دوم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴.

۷. مولایی، یوسف (۱۳۸۲)، دریای کاسپین و حاکمیت ایران، بولتن مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، س ۲، ش ۳، اردیبهشت ۱۳۸۲.
۸. مولائی، یوسف (۱۳۹۷)، مصاحبه با روزنامه ایران، ۱۷ اسفند ۱۳۹۷.
۹. نفت ماهنامه علمی-ترویجی، اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۱۷، آبان ماه ۱۳۹۳.
۱۰. نوریان، محمداسماعیل (۱۳۸۲)، نگرش‌های متفاوت درباره رژیم حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴.
۱۱. سلطانی‌نژاد، احمد؛ سلامت آذر، رحیم؛ اصولی، قاسم (۱۳۹۵)، تکوین‌بخشی و اگراییانه ترکیه در روابط ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۲ شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۱۲. والتین یاکوشیک؛ فرزین‌نیا، زیبا (۱۳۸۵)، اختلافات سیاسی معاصر در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲.
۱۳. هرمداس باوند، داود (۱۳۸۲)، رژیم حقوقی دریای خزر، نگاهی به ابهام زیست محیطی و امنیتی، فصلنامه مطالعات آس ۲۳-بزدانی، مجید، رژیم حقوقی حاکم بر دریاها بسته با نگرش بر دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۴.
۱۴. مؤسسه بین‌المللی مطالعات دریای خزر، ۱۳۹۷/۱/۱۷
۱۵. احمدی، نعمت، حقوق دان و وکیل دادگستری، روزنامه شرق، ۹۷/۵/۳۰ مقاله از ترکمنچای تا کنوانسیون جدید خزر.

ج. سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

۱. تلکس خبرگزاری ایرنا ۸۱/۲/۲۳
۲. تلکس خبرگزاری ایرنا ۸۱/۳/۶
۳. ریاست جمهوری
۴. سایت خبری عصر ایران، ۷ مهر ۱۳۹۳
۵. کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر امضا شد+ متن کامل کنوانسیون کد خبر: 97052111157.

د. منابع لاتین

1. Caspian sea Region: legal issues Energy information administration-July 2001. P.62
2. www.iran-newspaper.com/newspaper/BlockPrint/32019

